



جایگاه آموزش قرآن کریم در قرآن و سنت

رضانباتی

مقدمه

درباره‌ی موضوع آموزش قرآن هم‌چنان ناشناخته مانده‌اند. در حالی که توجه به این اصل مهم که آموزش و ترویج قرآن در سیره و سنت نبوی همواره مطرح بوده است، می‌تواند گره‌های کوری را که از دیرباز در ارتباط با قرائت و کتابت قرآن مطرح بوده‌اند، بگشاید. روایات متعدد «قراء سبعة» نیز نشان می‌دهند، پیامبر اکرم (ص) پیوسته در صدد تبیین ماهیت قرآن و آسان‌گیری آموزش آن بوده‌اند [رجبی، سال ۱۳۸۱].

با توجه به مطلب فوق، می‌توان پاسخ این دو سؤال مهم و مبنایی زیر و بحث خط سیر تحولات و تطورات آموزش قرآن کریم را در مسیر درست‌تری هدایت کرد.

سؤال اول: در قرآن کریم، جایگاه آموزش قرآن چیست؟
این‌که قرآن کریم درباره‌ی خودش چه انتظاراتی از مسلمانان

موضوع بررسی آموزش قرآن کریم توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، یکی از موضوعات مهم در عرصه‌ی آموزش قرآن، علوم قرآنی و معارف اسلامی به شمار می‌رود. اما از آن‌جا که:

اولاً) برخی روایات اسلامی، دارای از اسرائیلیات و برخوردهای قوم‌گرایانه است؛

ثانیاً) آموزه‌های سیره و سنت نبوی (ص) و ائمه‌ی طاهریں (علیهم‌السلام) در این‌باره، به صورت دقیق و اصولی تدوین نشده است،

ثالثاً) نظام روش‌شناختی دقیقی در تحلیل و بررسی سنت و سیره‌ی نبی اکرم (ص) وجود ندارد،

در مطالعه‌ی تطبیقی قرآن و سیره - به رغم وفور کتاب‌ها و رساله‌ها - در زمینه‌ی سیره‌ی نبوی، مرزهای دانش و تحقیق

خطبه‌ی ۲۳۵۱]. هم‌چنین می‌فرماید: «خیرکم من قرأ القرآن و أقرأه»: بهترین شما کسی است که قرآن را بخواند و آن را به دیگران اقراد کند.» [همان، خطبه‌ی ۷۲۳۵۴].

با توجه به شرایط خاص آن زمان، شیوه‌ی آموزش قرآن در مکتب پیامبر اکرم(ص)، خواندن قرآن بر متعلم بوده است تا وی تکرار کند و در نهایت آیات مورد نظر را بیاموزد [غفاری، ۶۴:۴۴].

بررسی سیر تطور آموزش قرآن از صدر اسلام تا دوره‌ی معاصر در ایران
۱. مراحل هفت‌گانه‌ی آموزش قرآن پس از بعثت پیامبر اکرم(ص)

رسول خدا(ص) در مقابل مؤمنان، سیاست «اقرأ القرآن» را پیش گرفت که به معنای تعلیم همه‌جانبه‌ی قرآن است. ضرورت این کار از آنجا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به‌دایره‌ی مسلمانی، نیازمند آموزش احکام دینی بودند.

پیدایش آموزش قرآن و تطور آن را در دوران مبعث و حیات پیامبر(ص) می‌توان در هفت مرحله به صورت خلاصه چنین بیان کرد:

مرحله‌ی اول: نقطه‌ی آغازین آموزش قرآن کریم را می‌توان تعلیم آیات قرآن کریم به نبی مکرم اسلام(ص) از سوی جبرئیل امین (علیه‌السلام) دانست. طلیعه‌ی این مرحله در آغاز نزول آیات شریف اول تا پنجم سوره‌ی علق است که می‌فرمایند: «اقرأ باسم ربك الذي خلق...»

خداوند در آیات اول تا چهارم سوره‌ی الرحمن نیز به این موضوع اشاره و خود را اول معلم قرآن معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید: «الرحمن، علم القرآن»: خدای رحمن کسی است که قرآن را آموخت.

طبق اقوال و آرای مفسرین قرآن، پیامبر اکرم(ص) پس از

دارد و مسلمانان چه وظایفی نسبت به آن دارند، از پرسش‌های اساسی است که برنامه‌ی درسی قرآن باید پاسخ‌گوی آن باشد [فصل‌نامه‌ی رشد قرآن، ش ۲۳]. قرآن کریم در این زمینه انتظارات متفاوتی را مطرح می‌کند که در این‌جا به صورت اجمال به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. **قرائت:** قرائت قرآن مفهومی عام و کلی است و در عین حال اولین و مهم‌ترین مرتبه و حداقل انس با قرآن کریم است [موسوی بلده، سیدمحسن، ۱۳۷۸:۱۷].

۲. **تلاوت:** به معنی رعایت آداب ظاهری و باطنی تلاوت قرآن است. این اصطلاح بیشتر برای خواندن متون مقدس و مذهبی به کار می‌رود [دانش‌نامه‌ی قرآن، ج ۱:۲۶۱].

۳. **تدبر:** به معنی تفکر روی آیات و فهم نسبی کلمات و عبارات قرآن کریم است.

۴. **خشوع:** که به دنبال هدایت باطنی و تأثیرپذیری از آیات شریفه‌ی قرآن حاصل می‌شود.

۵. **تأثیرپذیری:** به معنی متجلی شدن آیات قرآن در رفتار، گفتار و افکار انسان است.

۶. **عمل به آیات قرآن:** به معنی عمل به دستورات قرآن کریم در کلیه‌ی شئون زندگی است.

۷. **آموزش قرآن به دیگران:** که یکی از وظایف پیامبر اکرم(ص) است.

سؤال دوم: تعریف آموزش قرآن در مکتب پیامبر

اکرم(ص) چیست؟ آموزش قرآن در مکتب پیامبر اکرم(ص) عبارت است از: خواندن آیات توسط معلم و شنیدن و تکرار آن‌ها توسط قرآن‌آموز، تا جایی که این امر به انتقال آیات قرآن از قلب معلم به قلب متعلم منجر شود و متعلم قرآن نیز چونان معلم خود، حامل آیات الهی شود [گزارش نهایی طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن، بخش دوم، فصل سوم].

پیامبر اکرم(ص) در تعریف «قرآن‌آموز» می‌فرماید: «من جمع القرآن فکانما ادرجت النبوة بین جنبیه الا انه لا یوحی الیه»: کسی که قرآن را در قلب خود جمع کند، گویی نبوت درون سینه‌ی او جای گرفته است؛ با این تفاوت که به او وحی نمی‌شود [اصول کافی، ج ۲]. و نیز می‌فرمایند: «خیرکم من تعلم القرآن و علمه»: بهترین شما کسانی هستند که به دنبال این باشند تا قرآن را بیاموزند و به دیگران آموزش دهند.» [همان،

شنیدن آیات شریف از زبان جبرئیل (علیه السلام)، آن‌ها را به خاطر می‌سپردند و در حافظه نگه‌داری می‌کردند.

مرحله دوم: پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت آیات قرآن از جبرئیل و حفظ آن، موظف شدند تا آن آیات را به مسلمانان بیاموزند. آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی اسراء به موضوع تعلیم قرآن به مسلمانان توسط پیامبر (ص) اشاره دارد: «و قرآننا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً». و قرآنی که در یک جا قرار داشت، قسمت قسمت کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی [و لذا] آن را به تدریج بر تو نازل کردیم.

از قرائن تاریخی به دست می‌آید، پیامبر اسلام (ص) در اجرای این وظیفه، به تناسب مخاطبان قرآن، از دو شیوه‌ی «اسماع» و «قرا» استفاده کرده‌اند:

الف) اسماع قرآن: «اسماع» در لغت به معنای شنوندن است و این کار به همین معنا در قرآن به کار رفته است.^۸ مراد از اسماع قرآن، شنوندن آن به گوش مردم است که معمولاً در مکه و نسبت به مشرکان قریش، حاجیان و رهگذران صورت می‌پذیرفت.

طبق شواهد تاریخی، در سال‌های ابتدای رسالت، رسول خدا (ص) در مسجد الحرام می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت و یا به نماز می‌ایستاد و سوره‌هایی را قرائت می‌کرد. به این ترتیب آیات قرآن را به گوش رهگذران می‌رساند. به عبارت دیگر، رسول خدا (ص) در قالب عبادات روزانه‌ی خود، رسالت تبلیغی خویش را نیز دنبال می‌کرد.

از آن‌جا که استماع قرآن به تدریج موجب جذب مردم به قرآن می‌شد، مشرکان تصمیم گرفتند، علاوه بر خودداری از استماع قرآن، مانع نماز خوانی یا تلاوت قرآن رسول خدا (ص) شوند.

ب) اقراء قرآن: طبق آن‌چه مشهور است، اساس و اسلوب آموزش قرآن توسط پیامبر (ص) «قراء» بوده است. در تبیین معنای اقراء و بیان کیفیت و شیوه‌ی آن گفته‌اند: «قراآت بر کسی» یا «تلاوت بر کسی» به معنای اقراء است. یعنی اگر آیات الهی بر کسی خوانده شود، به قصد این که او نیز آن‌ها را بشنود و تکرار کند، این عمل «قراء» نامیده می‌شود.

رسول خدا (ص) در مقابل مؤمنان، سیاست «قراء قرآن» را پیش گرفت که به معنای تعلیم همه‌جانبه‌ی قرآن است. ضرورت این کار از آن‌جا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به دایره‌ی مسلمانی، نیازمند آموزش احکام دینی بودند. اما آیات قرآن غالباً فاقد جزئیات احکام و مقررات دینی بود. لذا رسول خدا (ص) در کنار تعلیم قرآن، گاه با توضیحات شفاهی و گاه به شکل عملی، مؤمنان را در جریان جزئیات احکام و شرایط قرار می‌داد و به تدریج با تفسیر بسیاری از آیات قرآن آشنا می‌کرد.

در سال‌های ابتدای بعثت، رسول خدا (ص) در خانه‌ی ارقم بن ابی ارقم - واقع در کوه صفا - سکنا گزید. حضرت در همین مکان، نومسلمانان را به حضور می‌طلبید و به آنان قرآن و مسائل دینی را آموزش می‌داد [عسکری، بی‌تا، ج ۱: ۱۳۳]. علاوه بر این، مراکز دیگری نیز وجود داشتند که در آن مؤمنان دور از چشم مشرکان به تعلیم و تعلم قرآن می‌پرداختند و در واقع

• راهکارهای نظارت مؤثر بر انتشار مکتوب و غیرمکتوب آثار قرآنی؛
تدوین آیین‌نامه‌ی نظارت بر انتشار مکتوب و غیرمکتوب آثار قرآنی؛
برآورد منابع متخصص مورد نیاز در حوزه‌ی فعالیت‌های قرآنی کشور (نیازسنجی)؛
راهکارهای بسترسازی و ایجاد زمینه‌های مناسب



مطالبی را که از رسول خدا(ص) فرامی گرفتند، به یکدیگر آموزش می دادند [ابن هشام، ج ۳۶۶: ۱]. آموزش قرآن نه تنها در مسجد پیامبر، بلکه در فرصت‌های گوناگون از میدان جنگ گرفته تا درون خانه‌ها، مورد توجه قرار می گرفت.

در این باره، احادیث فراوانی وجود دارد که پیامبر گرامی اسلام(ص) معمولاً آیات قرآن را به این گونه به مسلمانان می آموختند:

۱. از **عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب** و برخی دیگر افراد روایت شده است: «رسول اکرم(ص) آیات قرآن را ده آیه، ده آیه به آنان می آموختند و سپس راه و رسم عمل به مضامین آیات شریفه را بیان می فرمودند» [خویی، بی تا: ۳۸، به نقل از: حجتی کرمانی، ص ۲۴].

۲. **ابی عبدالرحمن سلمی** روایت می کند: «کسی که قرآن به ما می آموخت، گفت از صحابه‌ی پیامبر(ص) شنیدم که می گفت، رسول خدا ده آیه از قرآن را به ما می آموختند و ده آیه بعدی را به ما نمی آموختند تا آن گاه که درباره‌ی ده آیه نخست از لحاظ علم و عمل، آگاهی کسب می کردند» [پیشین].

۳. در تفسیر نورالثقلین آمده است، حضرت علی(علیه السلام) درباره‌ی روش قرآن آموختن خود نزد پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «هیچ آیه‌ای نازل نمی شد مگر آن که حضرت رسول(ص) آن را بر من اقراء می فرمود و می خواند و من می شنیدم و تکرار می کردم و پس از آن، همان آیه یا آیات را بر من املا می فرمودند و من می نوشتم...» [پیشین].

مرحله‌ی سوم: در این مرحله، عده‌ای از مسلمین آیات و سُور قرآن را به عده‌ی دیگر تعلیم می دادند و به اقراء یکدیگر می پرداختند. در کتاب **مَآهِلُ الْعِرْفَانِ** آمده است: «پیامبر اکرم(ص) برای آموزش قرآن به کسانی که از جامعه‌ی مسلمین دور بوده‌اند، کسانی را می فرستاد تا قرآن را به ایشان آموزش دهند. چنان که **مُصْعَبُ بْنُ عُمَيْرٍ** و **ابن أم مکتوم** راه قبل از هجرت به مدینه و **معاذ بن جبل** رانیز پس از هجرت برای آموزش قرآن به مکه فرستادند [غفاری، ۱۳۸۵]. از **عباده بن صامت** نقل شده است: «هنگامی که فردی به مدینه مهاجرت می نمود و به جمع مسلمانان وارد می شد، پیامبر اکرم(ص) او را به یکی از ما می سپرد تا به وی قرآن را آموزش دهیم» [خویی، بی تا: ۳۸، به نقل از حجتی کرمانی، ص ۲۶].

پیامبر اکرم(ص) پس از نزول آیه‌ی «قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» [زمر/۱۸-۱۷]، برای ترغیب به یادگیری خواندن و نوشتن فرمودند: «طلب العلم فریضة علی

کل مسلم و مسلمه» [حجتی کرمانی، بی تا: ۲۵]. براساس اهمیت و ارزش دانش بود که پیامبر بعد از پیروزی در جنگ دستور دادند اسیران باسواد، پس از آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر از کودکان مسلمان، آزاد شوند [خویی، بی تا: ۳۸، به نقل از: حجتی کرمانی، ۲۶].

مرحله‌ی چهارم: این مرحله با پدید آمدن گروهی به ثمر رسید که تلاوت قرآن کریم و تدریس آیات و سُور آن به صورت اشتغالات عمده‌ی زندگی آنان درآمد. اینان به «قُرّاء» مرسوم بودند [حجتی کرمانی، بی تا: ۲۷]. این مرحله را باید مرحله‌ی آغاز آموزش رسمی آموزش قرآن در جامعه‌ی اسلامی دانست؛ مرحله‌ای که دورنمایی از گستره‌ی انتشار آموزش تعلیم قرآنی و اسلامی را در اقصا نقاط عالم در پی داشت.

در کتاب «المغازی واقدی» چنین آمده است: «در میان انصار، ۷۰ مرد جوان دیده می شدند که موسوم به قُرّاء بودند و به هنگام درآمدن شب، به ناحیه‌ی مدینه می آمدند و به تعلیم قرائت قرآن می پرداختند و اقامه‌ی نماز می کردند» [همان، ص ۲۸].

مرحله‌ی پنجم: عده‌ای از صحابه که حافظ قرآن کریم بودند، آموزش حفظ قرآن را بر عهده گرفتند و به این کار قیام کردند. اینان عبارت بودند از: **علی بن ابی طالب (علیه السلام)**، **ابی بن کعب**، **عبدالله بن مسعود**، **زید بن ثابت**، **عویمر بن زید**، **ابوموسی اشعری** و **عثمان ابن عفان**.

مرحله‌ی ششم: اعزام قاریان و حافظان قرآن کریم به بلاد اسلامی، دوره‌ی جدیدی از آموزش قرآن به مسلمانان تلقی می شود. از آن جمله می توان به رفتن **عبدالله بن مسعود** (صحابی پیامبر) به شهر کوفه یاد کرد. او باعث شد که مردم کوفه بعد از مدینه، در زمینه‌ی قرائت قرآن کریم شهره شوند [همان، ص ۳۱].

مرحله‌ی هفتم: از این زمان، یعنی نیمه‌ی دوم قرن اول هجری قمری، آموزش قرآن به عنوان یک ماده‌ی درسی، در مساجد شهرهای گوناگون کشورهای اسلامی استقرار یافت [همان، ص ۳۲].

برای تکمیل این بحث شایسته است به جایگاه آموزش قرآن به کودکان در مکتب پیامبر اکرم(ص) و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) نیز اشاره کنیم.

ایشیخ طبرسی در کتاب «مجمع البیان» از معاذ نقل می کند که گفت: «شنیدم از رسول خدا(ص) که می فرمود: هیچ مردی نیست که به فرزندش قرآن آموخته شود، مگر آن که خداوند، روز قیامت پدر و مادر آن فرزند را به تاج فرشتگان مفتخر گرداند و

همچنین از امیرمؤمنان علی (ع) نقل شده است که فرمود:
«حق الولد علی الوالد ان یحسن ادبه و یعلمه القرآن» حق
 فرزند بر پدر آن است که فرزند را نیکو ادب کند و به او
 قرآن بیاموزد [نهج البلاغه، حکم ۳۹۹؛ میزان الحکمه، ج ۸].

[علامه مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۴۴: ۱۹۱]. وقتی خواستند در این باره با آن حضرت بحث و گفتگو کنند، فرمود: «بخشش من کجا می‌تواند با عطا او یعنی آموزش قرآن برابری کند» [ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۶].
 یک سال پس از استقرار علی (ع) در شهر کوفه، زنان و دختران، به آن حضرت پیام فرستادند و گفتند: ما شنیده‌ایم دختر شما زینب، همانند مادرش فاطمه (س)، منبع سرشار دانش و دارای علوم و کمالات است. اگر اجازه دهید، از آن سرچشمه‌ی دانش بهره‌مند شویم. امام اجازه داد تا زینب کبری (س)، بانوان مسلمان کوفه را آموزش دهد [ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۵۷].
 روزی در یکی از جلساتی که حضرت زینب (س) برای زنان کوفی قرآن می‌گفت، امیرمؤمنان (ع) وارد جلسه شد تا کلاس درس دخترش را از نزدیک ببیند. آن روز حضرت زینب (ع) در مورد آیه‌ی اول سوره‌ی مریم - «کهیعص» - سخن می‌گفت... [خصائص لزینبیه، ص ۲۷].

دو زیور از زیورهای بهشتی که مردمان هرگز مثل آن را ندیده‌اند، بر اندام آن‌ها بپوشاند» [وسایل، ج ۵، ح ۳۲۳].
 از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «هنگامی که معلم به کودکی خطاب کند بگو بسم‌الله الرحمن الرحیم و کودک بگوید بسم‌الله الرحمن الرحیم، خداوند تعالی براءت از آتش جهنم را برای فرزند، پدر، مادر و معلمش خواهد نوشت» [همان، ج ۳۲۸].
 امام علی علیه‌السلام نیز در نامه‌ی تربیتی خود به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) بعد از آن که بر اهمیت تربیت و تسریع در آن تأکید می‌کنند، نخستین اقدام خود را آموزش قرآن و معارف و احکام حلال و حرام آن بیان می‌کند: «... و ان ابتدئک بتعلیم کتاب‌الله و...». نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تاویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم [نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱].

همچنین در توصیه به فرزندش محمد بن حنیفه فرمود:
 «... بر تو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به آنچه در آن است. خواندن قرآن را در شب و روز، و هنگام تهجد بر خود لازم بدان، چرا که قرآن نامه‌ای است از سوی خداوند تبارک و تعالی با خلق خود. پس واجب است بر هر مسلمانی که در هر روز به عهدنامه‌ی خود بنگرد، ولو ۵۰ آیه باشد [راجی قمی، ص ۱۶۲ و ۱۶۳].

همچنین از امیرمؤمنان علی (ع) نقل شده است که فرمود:
 «حق الولد علی الوالد ان یحسن ادبه و یعلمه القرآن» حق فرزند بر پدر آن است که فرزند را نیکو ادب کند و به او قرآن بیاموزد [نهج البلاغه، حکم ۳۹۹؛ میزان الحکمه، ج ۸].

مردی به نام عبدالرحمن سلمی، سوره‌ی حمد را به فرزند امام حسین (ع) آموخت. وقتی آن فرزند سوره‌ی حمد را نزد امام حسین (ع) به خوبی خواند، امام هزار دینار و هزار حله‌ی گران‌بها به آن معلم جایزه داد و دهانش را پر از جواهر ساخت

زیرنویس

۱. سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۲۰.
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۱.
۳. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۲۴.
۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۲۱.
۵. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۶.
۶. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۴.
۷. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲.
۸. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۵۲.
۹. سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۷.

منبع

بخشی از فصل دوم پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «سیر آموزش قرآن در دوره ابتدایی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵».